



سال ششم، شماره ۴، پایانی زمسان ۱۴۰۲

www.qpjournal.ir

ISSN : 2783-4166

مطالعه و بررسی شگردهای طنزپردازی در اشعار ایرج میرزا

حسین قاسمی زاده^۱ دکتر خدابخش اسداللهی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۳/۲۰

نوع مقاله: پژوهشی

(از ص ۴ تا ص ۲۳)



20.1001.1.27834166.1402.6.4.1.4

چکیده

ایرج میرزا، متولد ۱۲۵۳ ه. ش، یکی از مهم‌ترین شاعران موفق دوره مشروطه در طنزپردازی است و به او لقب «سعدی نو» را داده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت طنزهای او به کارگیری طیف وسیعی از شگردها و سازوکارهای خلق طنز در ساختار اشعار اوست. اشعار ایرج میرزا بیشتر برگرفته از واقعیات اجتماعی است و او در این اشعار با دیدگاهی انتقادی و تند به بازتاب مسائل اجتماعی می‌پردازد. پژوهش پیش‌رو بر آن است تا با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی، شگردهای طنزپردازی را در اشعار این شاعر، مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. حاصل مطالعات نشان می‌دهد که ایرج میرزا برای بیان طنز خود و تأثیرگذاری بیشتر آن بر مخاطب از شگردها و شیوه‌های مختلفی استفاده می‌کند و رمز موفقیت طنزهای او در بهره‌گیری از همین شگردهاست؛ از مهم‌ترین این شگردها می‌توان به کوچک‌سازی، تشبیه به حیوانات، نفرین و دشنام، خراب کردن سمبل‌ها، انتقاد از خویش، مناظره، تابوشکنی دینی، کنایه و ردیف‌های طنزآمیز اشاره کرد. حاصل سخن این‌که، شگردهای طنزپردازی که ایرج میرزا از آن‌ها استفاده کرده‌است، تأثیر بسزایی در ارائه مفاهیم موردنظر دارند.

کلیدواژه‌ها: طنز، شگردهای طنزپردازی، اشعار، ایرج میرزا.

^۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول) hosseinqasemizadeh1373@gmail.com

^۲. استاد زبان و ادبیات دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. Kh.asadollahi@gmail.com



۱. مقدمه

شفیعی کدکنی در کتاب ادبیات فارسی (از روزگار جامی تا عصر حاضر) معتقد است که: ادبیات مشروطه به ادبیات دوره‌ای گفته می‌شود که در آن، شاعران، نویسندگان و اصحاب هنر، ادبیات را وسیله‌ای برای بیان اهداف سیاسی و اجتماعی خود، از جمله تنویر افکار مردم، آزادی و استقرار مشروطیت قرار داده بودند که از نظر زمانی بین سال‌های ۱۲۴۰ تا ۱۲۹۹ هـ ش را در برمی‌گیرد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۷۳).

در آستانه انقلاب مشروطه، کشور ایران هنوز تمام خصوصیات جامعه‌شناختی جامعه سنتی را دارا بود. حاکمیت سیاسی به شکل استبداد کهن سال ایرانی بود که می‌توان آن را نمونه متعارف استبداد شرقی دانست. در قرن نوزدهم میلادی طی یک سلسله تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، رفته‌رفته شکاف‌هایی در جامعه سنتی ایران پدیدار گشت و حقانیت رژیم سیاسی مبتنی بر استبداد سلطنتی، مورد تردید قرار گرفت. گروه‌هایی از مردم شهری به ویژه عناصر اصلاح طلب دولت و دیوان، روحانیون روشن بین، تجار و روشنفکران در افکار آزادی خواهانه غربی (آزادی‌های مدنی، مصونیت جان و مال فرد از تعرض، تفکیک قوای سه‌گانه و حاکمیت قانون) شعارهای مناسبی برای مبارزه با حکومت استبدادی قاجار یافتند (خارابی، ۱۳۸۰: ۱۱). پس از یک رشته اعتراضات، تظاهرات و اجتماعات تحت عنوان نهضت عدالتخانه، کار به مهاجرت علما به قم و تحصن تجار، کسبه و پیشه‌وران در سفارت انگلستان انجامید و سرانجام منجر به صدور اعلان مشروطیت در جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ (تابستان ۱۹۰۶) گردید. به دنبال آن، در بیشتر شهرهای ایران انجمن‌های مشروطه خواه تشکیل و نشر روزنامه‌های آزاد، آغاز شد؛ از طریق انجمن‌ها و مطبوعات آزاد بود که افکار آزادی خواهانه در سرتاسر جامعه شهری ایران انتشار یافت و تا حد زیادی پذیرفته شد. در این شرایط، صرف نظر از خواسته‌های سیاسی که به مسائل روز ایران تبدیل شده بود، نگرش به معضلات موجود اجتماعی دستخوش تغییر گردید (خارابی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۴).

یکی از حوزه‌هایی که در دوران مشروطه دچار دگرگونی اساسی شد، ادبیات بود؛ در دوران مشروطه، موضوع و محتوای آثار اعم از نظم و نثر تغییر یافت. در این دوران، شاعران طنزپردازی ظهور کردند و مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی را در قالب طنز به نمایش گذاشتند. یکی از مهم‌ترین شاعران این دوره، ایرج میرزا، شاهزاده قاجاری، است که در طنزسرایی سرآمد بوده‌است. یکی از مهم‌ترین دلایل موفقیت طنزهای ایرج میرزا، به کارگیری طیف وسیعی از شگردها و سازوکارهای خلق طنز در ساختار اشعار اوست. با توجه به اهمیت طنز در بیان مؤثر مقصود و قدرت طنزسرایی ایرج میرزا، این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش مطالعه کتابخانه‌ای و به روش تحلیلی-توصیفی، شگردهای طنزپردازی را در اشعار او مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.



۱.۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با اشعار ایرج میرزا، مقالاتی نوشته شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مقالات «بازتاب رئالیسم در اشعار ایرج میرزا» از مرتضی رزاق‌پور و سمیه نوش‌آبادی (۱۳۹۱) در نشریه زبان و ادب فارسی، «کارکرد زبان در شعر ایرج میرزا» از سهیلا صارمی (۱۳۸۶) در نشریه زبان و زبان‌شناسی، «مضامین شعر و ادب عربی در دیوان ایرج میرزا» از وحید سبزیان‌پور (۱۳۸۷) در نشریه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی، «بررسی تطبیقی فقر در شعر عبدالوهاب بیاتی و ایرج میرزا» از حسن سرباز و دیگران (۱۳۹۶) در نشریه ادبیات تطبیقی، «مقام زن در شعر ابوالقاسم لاهوتی، ایرج میرزا و عارف قزوینی» از سعید حاتمی و پروانه صفایی (۱۳۹۱) در نشریه زن و فرهنگ، «دو کتابی که سعدی و ایرج میرزا نام آن‌ها را فراموش کرده‌اند» از وحید سبزیان‌پور (۱۳۸۹) در نشریه گزارش میراث، «زمینه‌های بدبینی و یأس فلسفی در اشعار تعلیمی و غنایی ایرج میرزا» از علی‌بالی و علی‌اصغر حلبی (۱۳۹۲) در نشریه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی، «مقایسه تطبیقی فابل «کلاغ و روباه» در شعر ایرج میرزا و احمد شوقی با اصل فرانسوی» از مسعود دهقانی (۱۳۹۹) در نشریه زبان و ادب فارسی، «تأثیر طبقه اجتماعی بر شعر شاعران دوره مشروطه با تمرکز بر اشعار ایرج میرزا و فرخی یزدی» از عبدالله حسن‌زاده و دیگران (۱۳۹۴) در نشریه پژوهش زبان و ادب فارسی، «تحلیل موضوعی قالب قطعه در اشعار سه شاعر دوره مشروطه (ایرج میرزا، ملک‌الشعرا بهار و پروین اعتصامی)» از تکتّم فرهمندی و دیگران (۱۳۹۹) در نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، «دگرگونی سیمای معشوق در سبک‌های شعر فارسی (با نگاهی بر اشعار وحشی بافقی، صائب تبریزی و ایرج میرزا)» از آرش مشفی و مریم کوتهمهری (۱۳۹۴) در همایش انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران، «میزان و چگونگی کاربرد استفاده از اصطلاحات عامیانه و کنایات در شعر دوره قاجار با بررسی ده شاعر و تکیه بیشتر بر ایرج میرزا» از زهرا اسفندیاری‌پور و احمد خاتمی (۱۳۹۷) در نشریه سبک‌شناسی زبان و ادب فارسی، «بررسی تطبیقی درون‌مایه‌های آثار نمایشی عشقی، ایرج و عارف» از علی‌محمد مؤذنی و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت اشاره کرد.

در باره طنز و طنزپردازی در اشعار ایرج میرزا، تا جایی که جستجو شد، تنها یک مقاله به ثبت رسیده است: مقاله «نقش طنز در اشعار عبید زاکانی و ایرج میرزا» از محمدرضا بختیاری (۱۳۹۴) در سومین همایش الکترونیکی پژوهش‌های نوین در علوم و فناوری. اما در رابطه با شگردهای طنزپردازی در اشعار ایرج میرزا، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است و پژوهش پیش‌رو، نخستین گام در این مورد است.

۲. مبانی نظری



طنز، واژه‌ای عربی است و از فرهنگ اعراب وارد زبان و ادبیات فارسی شده است. اهل لغت برای این واژه، معانی مختلفی چون: «فسوس کردن، فسوس داشتن، افسوس داشتن، طعنه، سخریه، بر کسی خندیدن، عیب کردن، لقب کردن، ناز، سخن به رموز گفتن و به استهزاء از کسی سخن گفتن ذکر کرده‌اند.» (نجف‌زاده بارفروش و فرجیان، ۱۳۷۰: ۸۰۹) اما در عرف ادب، به روش ویژه‌ای در نویسندگی (اعم از نثر و نظم) گفته می‌شود که در آن، نویسنده یا شاعر با بزرگ‌نمایی و نمایان‌تر جلوه‌دادن جهات زشت و منفی معایب و نواقص پدیده‌ها، در روابط حاکم در حیات اجتماعی، درصدد تذکر، اصلاح و رفع آن‌ها برمی‌آید. «نیکوبخت، ۱۳۸۰: ۸۹» رینولد نیبهر در یکی از موعظه‌های خود اظهار داشت که خنده، نوعی سرزمین بی‌صاحب بین بیم و ایمان است که با خندیدن به پوچی سطحی زندگی، سلامت خود را حفظ می‌کنیم.» (مرچنت، ۱۳۷۷: ۲۵)

طنز یکی از شاخه‌های ادبیات انتقادی و اجتماعی است که در ادبیات کهن فارسی به عنوان نوع ادبی مستقل شناخته نشده و مرزهای مشخصی با دیگر مضمون‌های انتقادی و خنده‌آمیز چون "هجو"، "هزل" و "مطایبه" نداشته است. از واژه طنز، اغلب معنی لغوی آن یعنی "مسخره کردن" و "طعنه زدن" مورد نظر شاعران و نویسندگان بوده است، ولی معنی امروزی آن که جنبه انتقاد غیرمستقیم اجتماعی را با چاشنی خنده دارد، از واژه satire اروپایی گرفته شده است (حلبی، ۱۳۶۵: ۳۳).

در انواع ادبی زبان فارسی، هجو و شاخه‌های آن، یعنی هزل، فکاهه، طنز، لطیفه و ... که گاه با تفریح و انبساط - خاطر و گاه با تمسخر و جد همراه است، ایجاد خنده و تبسم می‌کند. هر یک از این خنده‌ها، پیام‌هایی فردی و اجتماعی را با خود به همراه دارند و با شکل‌های گوناگون خود در آثار اغلب شاعران، چه از لحاظ مضمون و محتوا و چه از لحاظ شکل و قالب دیده می‌شوند (شوقی، ۱۳۸۴: ۵۵). طنز در آن جا آغاز می‌شود که حقوق دیگران رعایت نشود، آزادی توأم با مسئولیت، مورد تعدی واقع شود، بی‌بندوباری و هرج و مرج به عنوان آزادی تبلیغ شود، نظام جامعه در مسیر طبیعی خود مورد تهدید قرار گیرد، ستم و تجاوز در شکل‌های گوناگون چهره نماید و منادیان آزادی، خود، عاملان بدبختی فکر، اندیشه و آزادی شوند، ترقی و اعتلا جای خود را به انحطاط و سقوط دهد و پویایی اندیشه و حرکت ناشی از آن، کم‌کم به رکود انجامد. در حقیقت، طنز اعتراضی است بر نارسایی‌ها و نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها که در یک جامعه وجود دارد و گویی جامعه و مسئولان امر نمی‌خواهند این اعتراض‌ها را مستقیم و بی‌پرده بشنوند. هر یک از نابسامانی‌ها و بی‌رسمی‌ها ممکن است سببی برای پیدایش هجو و هزل یا طنز اجتماعی باشند، اما نقدی است جدی بر نارسایی‌ها و اشکال‌های اجتماعی که نه سوزندگی و تخریب، بلکه قصد سازندگی و



اصلاح دارد. طنزنویسی بالاترین درجه نقد ادبی است، به شرط آن که رویدادها و چهره‌ها را دگرگون نکند.» (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۶)

حسن انوری برای تعریف طنز، چنین فرمولی ارائه کرده‌است: «پدیده + وضع در غیر ما وضع له + بیان / انتقاد + جوهر شعری و ادبی = طنز ادبی» (انوری، ۱۳۷۹: ۵۷). شفيعی کدکنی تعریف کوتاهی از طنز ارائه می‌دهد و می‌نویسد: «طنز عبارتست از تصویر هنری اجتماع نقیضین» (شفيعی کدکنی، ۱۳۸۲: ۵۱).

درباره تاریخچه طنز در ادبیات فارسی باید گفت: «در ادبیات کلاسیک فارسی، طنز به صورت نوعی اثر مستقل ادبی و مفهوم اصلاح‌گرانه، بسیار نادرست است؛ آنچه هست، رگه‌هایی است از گفتار و حکایات طنزآلود که در کنار هجو، زندگی و رشد کرده است. قدمت پاره‌ای از این گونه حکایات و گفتار تا بعضی متون اقوام آریایی که در توصیف خدایان این اقوام وجود دارد، می‌رسد. در زمان ساسانیان، مخصوصاً در وصف پادشاهی انوشیروان، حکایتی وجود دارد که می‌توان در آن رگه‌هایی از طنز یافت.» (داد، ۱۳۸۷: ۳۴۰) بنابر نظر بسیاری از کارشناسان، از دوره مشروطه، حضور طنز در ادبیات گسترش یافته است. «اغلب صاحب‌نظران، طنز سیاسی و اجتماعی امروز را محصول انقلاب مشروطه می‌دانند که با تحولات خاص خود، زمینه‌های طنزنویسی را به وجود آورد. در پی تحولاتی که در اثر انقلاب مشروطه به وقوع پیوست و با آزادی بیان نسبتاً زیادی که به وجود آمد، طنزنویسی نیز رواج یافت. طنز از نظر قالب و محتوا نسبت به دوره‌های پیشین، تحول اساسی یافت و کارکرد سیاسی-اجتماعی و توجه به مردم از ویژگی‌های اصلی آن در این دوره شد.» (کردچگینی، ۱۳۸۸: ۲۴) عمران صلاحی معتقد است که «در ادبیات کهن ما چیزی به نام طنز به چشم نمی‌خورد. در ادب کهن ما، برای مضاحک در اصل دو اصطلاح بوده است: هجو و هزل. هجو، ضد مدح و هزل، ضد جد. کلمه طنز در همین چهل، پنجاه سال اخیر در ادبیات ما متداول شد؛ شاید از زمان مرحوم دهخدا و روزنامه صوراسرافیل. معنی لغوی طنز گفتن، مسخره کردن و به طعنه چیزی را گفتن است، ولی در قدیم، کلمه طنز، معنا یا معانی دیگری غیر از آنچه که ما از آن استنباط می‌کنیم، داشته است.» (سلیمانی، ۱۳۹۱: ۵۲۵-۵۲۴)

۳. بحث و بررسی

۱.۳. مختصری از زندگی‌نامه ایرج میرزا

یکی از شاعران برجسته حیطه طنزسرایی در دوره مشروطه، ایرج میرزا است. او در تبریز به دنیا آمد. پدرش، غلامحسین میرزا، از نوادگان فتحعلی‌شاه قاجار بود (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۸۹). پدربزرگش، ملک ایرج میرزا و جد اکبرش، فتحعلی‌شاه، همگی شاعر بودند (نادرپور، ۱۳۵۲: ۳۵۲). ایرج در دارالفنون تبریز به یادگیری زبان فرانسه



اهتمام ورزید. او علاوه بر زبان فرانسه با زبان روسی نیز آشنایی داشت و ترکی را خوب می‌دانست و هم‌زمان با تحصیل ادبیات فارسی و عربی، منطق و بیان را نیز آموخت (آژند، ۱۳۸۵: ۱۱۹) و از آقا محمدتقی عارف اصفهانی و میرزا نصرالله بهار شیروانی بهره فراوان برد (آرین‌پور، ۱۳۵۰: ۳۸۴). او هم‌چنین، در اواخر عمر در خراسان با استاد معروف فارسی و عربی در آن عصر، میرزا عبدالجواد ادیب نیشابوری، بسیار همدم و همنشین شد. ایراد ضرب‌المثل‌ها و افسانه‌های عربی و اصطلاحات عربی، نتیجه همنشینی او با ادیب نیشابوری است (محبوب، ۱۳۵۳: ۴۰). آشنایی ایرج با زبان عربی در حدی است که رساله‌ای با عنوان «مقایسه مضامین مشترک سعدی و متنبی» نوشته است که اثری از آن وجود ندارد (محفوظ، ۱۳۳۶: ۶۳).

ایرج میرزا به لحاظ نظام طبقاتی جامعه، یک بورژوازی اشرافی (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۳۴) به حساب می‌آمد و با موازین اشرافیت تربیت شده بود و در مدت عمر نیز، حشر و نشر او عمدتاً با طبقات ممتاز و اعیان زمان خویش بوده است (صدری‌نیا، ۱۳۸۷: ۳۳۴). او در تب و تاب انقلاب مشروطه، زندگی درباری را رها کرد و به خدمت دولت درآمد. سال‌هایی را در تهران و کرمانشاه و سنندج و چند شهر دیگر به مأموریت اداری پرداخت (سپانلو، ۱۳۷۶: ۸). مدت ۵ سال، معاونت پیشکاری مالی خراسان را عهده‌دار بود و بارورترین دوره فعالیت ادبی او مقارن با سال‌هایی است که در خراسان گذرانده است؛ در این دوره به سبب گستردگی جنبش‌های آزادی‌خواهی در سراسر کشور، اشعار او رنگ اجتماعی به خود می‌گیرد و در آن‌ها، اظهارنظرهایی در مورد حوادث روز می‌توان یافت (محمدی، ۱۳۷۵: ۱۸۲).

اشعار ایرج میرزا از بهترین شاهکارهای ادبیات معاصر ایران است (برقی، ۱۳۲۹: ۱۶). اطلاع او از ادبیات ملل مختلف موجب شد تا روش قدیمی را رها کند و خود، شیوه‌ای خاص به وجود بیاورد (صفا، بی‌تا، ج ۳: ۲۶۲). زبان و بیان او از حیث نرمی و روانی و سهل‌ممتنع بودن، به شعر سعدی می‌ماند و به همین سبب بسیاری از ابیات او مانند ضرب‌المثل معروف شدند (یوسفی، ۱۳۶۹: ۳۵۸). زبان شعر ایرج، شگفت‌آور و در میان هم‌عصرانش بی‌نظیر است. از روزگار سعدی تاکنون این حد از سلالت در زبان، در شعر هیچ ادیب و شاعری دیده نشده است (زرقانی، ۱۳۸۴: ۹۱). شفیع‌کدکنی در مورد شعر او می‌نویسد: «هیچ شاعری در طول هفت قرن گذشته به اندازه او به زبان معیار و ساحت هم‌زمانی زبان فارسی اثر خود نرسیده است.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۳۶۸) اشعار او به دو بخش هزلی-طنزی و کودکانه تقسیم می‌شود و به‌راستی، او در هر دو بخش به خوبی می‌درخشد؛ اشعار هزلی او با چهره‌های عامی و بسیار زیرک ظاهر می‌شود، اما در اشعار کودکانه، مردی فرهیخته و معلم دوست‌داشتنی را می‌بینیم که می‌تواند با زمزمه‌های محبت، جمعه‌های مکتب را با صدای‌های وهوی کودکانه پر کند (زرقانی، ۱۳۸۴: ۹۸).



۲.۳. بررسی شگردهای طنزپردازی در اشعار ایرج میرزا

یک طنزپرداز برای خلق اثر طنز، نیازمند شگردهایی است تا بتواند فضای طنز را در بافت اثر جای دهد. هر چقدر این شگردها تنوع بیشتری داشته باشند، بر جذابیت طنز افزوده می‌شود و اثر خلق‌شده از سوق یافتن به سوی شوخی‌های تکراری می‌رهود (صفایی و ادهمی، ۱۳۹۳: ۱۲۱). ایرج‌میرزا از شعرایی است که برای بیان طنز خویش، از شگردهای مختلفی بهره برده است که در زیر به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱.۲.۳ کوچک‌سازی

کوچک‌سازی، یکی از عمده‌ترین شگردهای طنزپردازان است. «در این روش، طنزنویس، قربانی خود را از لحاظ جسمی و معنوی کوچک جلوه می‌دهد و روی از تمام تصنعات ساختگی عریان می‌سازد و بی‌آن همه، او را در منظر دید خوانندگان می‌نشانند تا ببینند و داوری کنند که آنچه آنها درباره‌ی او می‌اندیشیدند، جز خیال‌واهی باز برآمده از خوش‌باوری و فریفتگی آنها و مردم‌فریبی قربانی او، پایه‌ی دیگری نداشته است.» (کردچگینی، ۱۳۸۸: ۲۸) ایرج میرزا در بسیاری از مواقع برای بیان طنز خویش و تأثیرگذاری بیشتر آن از این شگرد بهره می‌گیرد. به نمونه‌هایی از این شگرد در اشعار او اشاره می‌شود:

نه شریف‌العلما بگذرد از سیم سفید نه رئیس‌السوزا از زر احمر گذرد
گر به محشر هم از این جنس دو پا درکارند وای از آن طرز مظالم که به محشر گذرد
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۶۷)

در ابیات فوق، سخن ایرج میرزا از مسئولانی است که از زر و سیم نمی‌گذرند و سودای مال و ثروت دارند. در ادامه، او معتقد است که اگر چنین افرادی به محشر پا بگذارند، شیوه‌ی دادخواهی در آن روز نیز فایده‌ای نخواهد داشت. نکته‌ی مهم در ابیات ایرج میرزا، به کار بردن واژه «دو پا» است که او برای چنین افرادی به کار می‌برد و آن‌ها را تحقیر می‌کند؛ در واقع، ایرج میرزا وجه تمایز آن‌ها را با حیوانات در دو پا بودن می‌داند، در حالی که انسان به عقل، خرد و اختیار بر حیوانات دیگر برتری دارد.

سر درختی و میوه را بردی همه‌ی گاه و بیده را خوردی
خوب کردی که نوش جانت باد گوشتت باد و استخوانت باد



(همان: ۱۴۰)

ایرج میرزا در اشعار فوق، میرآخور را که به قول او، اولین شخص بیرجند است، مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید که تمام عایدی‌ها را خورده و برده‌ای، البته کار خوبی انجام داده‌ای و نوش جانت باد. نکته جالب در مصراع دوم است؛ بدین ترتیب که او شخص مورد خطابش را تا حد حیوانات پایین می‌آورد و او را تحقیر می‌کند، شخصی که گاه و بیده می‌خورد و از نظر ایرج میرزا، انسان نیست.

۲.۲.۳. تشبیه به حیوانات

«دکتر حلبی» درباره این شگرد می‌نویسد: «تشبیه انسان به حیوان با استفاده از داستان‌هایی که از زبان حیوانات نقل می‌شود، وسیله دیگری است برای کسی که قصد انتقاد و طنز دارد. طنزپرداز به دو دلیل از این روش استفاده می‌کند: اول برای فرار از بازخواست و مجازات است. زیرا بدگویی و ریشخند مستقیم بزرگان و قربانیان خود را کاری ناممکن می‌بیند؛ دوم اینکه با تشبیه قربانیان خود به حیوانات، آنها را در مقام بلند و رفیعی که برای خودشان قائل هستند، به حد حیوانات تنزل می‌دهد» (حلبی، ۱۳۶۵: ۶۶). در اشعار ایرج میرزا، چنین شگردی بسیار به چشم می‌خورد و اکنون، به نمونه‌هایی از کاربرد این شگرد اشاره می‌شود:

آدمی پیش هوس کور و کر است هر که دنبال هوس رفت، خر است
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۴)

در بیت ذکر شده، سخن از هوی و هوس است و ایرج میرزا معتقد است که انسان در برابر هوی و هوس، کور و کر است و در ادامه، کسی را که به دنبال شهوت رود، خر می‌نامد؛ چراکه خر نمادی برای هوی و هوس است.

چو نیست ظاهر قرآن به وفق خواهش او رود به باطن و تفسیر ناصواب کند
ازو دلیل نباید سوال کرد که گرگ به هر دلیل که شد، بره را مجاب کند

(همان: ۱۳)



در ابیات فوق، روی سخن ایرج میرزا با مفسرانی است که تفسیر به رأی می‌کنند؛ او در بیت اول، از مفسرانی می‌گوید که چون ظاهر برخی از آیات قرآن بر وفق مرادشان نیست، به باطن قرآن مراجعه می‌کنند و تفسیر به رأی انجام می‌دهند. ایرج میرزا در مصراع دوم، چنین مفسرانی را به گرگ مانند می‌کند و افرادی را که پای سخن چنین مفسرانی می‌نشینند، بره می‌نامد.

ایرج میرزا در دو مثال ذکر شده، نامی از فرد نمی‌برد و شاید دلیل آن، ترس باشد و از طرفی دیگر، مخاطبان را که شاید برای خود، منزلتی قائل هستند، تا حد حیوانات به پایین می‌آورد. به نمونه‌ای دیگر از این شگرد اشاره می‌شود:

به زهد گربه شبیهست زهد حضرت شیخ نه بلکه گربه تشبه به آن جناب کند ...
 تو نیز پرده عصمت مپوش و رخ بفروز بهل که شیخ دغا عو عو کلاب کند
 (همان: ۱۴-۱۳)

در بیت اول ابیات فوق، ایرج میرزا به شیخ می‌تازد؛ او زهد شیخ را زهد دروغین می‌داند و به زهد گربه شبیه می‌کند. در بیت دوم نیز، صفت عوعو کردن سگ را به شیخ نسبت می‌دهد؛ صد البته که شیخ مدنظر ایرج میرزا همچون شیخ مدنظر حافظ، ریایی است.

۳.۲.۳. نفرین و دشنام

یکی از عوامل ایجاد موقعیت‌های کمیک در داستان‌های طنز، دشنام‌ها و نفرین‌هایی است که در میان شخصیت‌های مختلف رد و بدل می‌شود. دکتر حلبی در این باره می‌نویسد: «دشنام و فحش یکی از برنده‌ترین ابزار هجاگویان است، اما باید متوجه بود که همان اندازه که ممکن است هجاگو، با ابزار دشنام و بددهانی به سوی قربانی خود آتش بگشاید، او نیز گاهی قربانی حس شرارت‌آمیز خود قرار می‌گیرد و نظایر این در تاریخ بشر فراوان دیده شده است» (حلبی، ۱۳۶۵: ۸۷). لعن و نفرین نیز از شیوه‌هایی است که در قرآن نیز به کار رفته است و در میان اعراب از مؤثرترین روش‌های هجوگویی بوده است، تا آنجا که بسیاری آن را امری واقعی و حیاتی می‌پنداشتند و خود را از این که هدف چنین روشی قرار گیرند، به دور می‌داشتند (کردچگینی، ۱۳۸۸: ۲۸). ایرج میرزا برای ارائه طنزهای خویش، گاهی از نفرین و گاهی هم از دشنام بهره‌می‌گیرد و با طنزی مؤثر، مقصود خود را می‌رساند.



ان شالله دو روز دگر خیمه از آنجا به درک می‌زند

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲)

بیت فوق، از مثنوی «در هجو شیخ فضل‌الله نوری» است که ایرج میرزا در مصراع دوم، نفرینی را به کار می‌بندد و آرزو می‌کند که شیخ موردنظر او به درک واصل شود. «به درک واصل شدن»، نوعی نفرین است که ایرج میرزا آن را در مورد مخاطب خویش به کار می‌گیرد. بسیاری از دشنام‌های ایرج میرزا به حدی رکیک و به دور از ادب هستند که نمی‌توان آنها در همه‌جا گفت و تنها، برخی از دشنام‌های او را که قابل ذکر هستند، می‌توان بیان کرد:

من به جز مدحت او، مدح دگر خر نکنم جز خر عیسی گور پدر هر چه خر است

(همان: ۶۶)

هر ادیبی به جلالت نرسد هر خری هم به وکالت نرسد ...

تو میندار که هر احمق خر مقبل السلطنه گردد آخر

(همان: ۱۲۳)

بانگ زد پیرموش کای کودن این قدر حرف‌های مفت نزن

تو که باشی و گربه کیست الاغ رفتن و مردنت یکی ست الاغ

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۴۲)

اصطلاحاتی چون «گور پدر فلانی»، «احمق خر»، «کودن»، «الاغ» و ... دشنام‌هایی هستند که ایرج میرزا در حق کسانی که با آنان رابطه خوبی ندارد، روا می‌دارد.

۴.۲.۳. خراب کردن سمبل‌ها

بدین معنی است که طنزپرداز به آنچه در فرهنگی حکم نماد پیدا کرده، می‌تازد و می‌کوشد تا با کوچک کردن، آن را تخریب کند (زارع و باقری خلیلی، ۱۳۹۵: ۳۱۴). ایرج میرزا در اشعار خود، گاهی مانند حافظ رفتار می‌کند؛ یعنی، شخصیت‌هایی را که مورد تأیید مردم هستند، به باد طنز و انتقاد می‌گیرد و بدین ترتیب، سمبل‌هایی که در نظر مردم، محترم هستند، خراب می‌کند. نمونه‌هایی از این‌گونه شگرد:



ور بیفتد چشم زاهد بر رخس وقت نماز (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۴)	لا اله الا الله از گفته سازد الا الله را
حجت‌الاسلام کتک می‌زند (همان: ۱۲)	بر سر و مغزت دگنک می‌زند
واعظ ار بیند یک بار دو چشم سیهش (همان: ۳۰)	وعظ یکسو نهد از عشق رود گفتارش
نه شریف‌العلما بگذرد از سیم سفید (همان: ۶۷)	نه رئیس‌الوزرا از زر احمر گذرد
شاپوییها خطرناکند و ترسیدن ازان واجب (همان: ۷۰)	ولی با این خطرناکی من از دستار می‌ترسم
بویی ز بوستان محبت نبرده‌اند (همان: ۷۱)	سالوس زاهدان حقیقت مجازکن
سبحه و سجاده و مهری مرتب کرده شیخ (همان: ۷۲)	تا چه پیش آید خدایا دام تزویر است و من

ایرج میرزا با شیخ، زاهد، حجت‌الاسلام، واعظ، شریف‌العلما، دستار و ... رابطه خوبی ندارد و گرچه این افراد در نظر مردم، شریف و گرامی هستند، اما مورد انتقاد او هستند. البته ذکر این نکته نیز مهم است که افراد ذکرشده، در جامعه مدنظر ایرج میرزا، رفتاری خلاف آنچه می‌گویند، از خود بروز می‌دهند؛ به عبارتی دیگر، ظاهر و باطنشان یکی نیست.

۵.۲.۳. انتقاد از خویش

نگاه تمسخرآمیز به خویشان، در واقع مبین تمایز میان دو مفهوم «جسم بودن» و «جسم داشتن» است که ماکس شلر آن را مطرح ساخت و بحث‌های فلسفی و انسان‌شناسی بسیاری را برانگیخت. پیتر برگر نیز در تحقیق خود درباره خنده به تمایز این دو مفهوم اشاره می‌کند: ادعایی که در اینجا مطرح است این است که وضعیت عجیب انسان در طبیعت به واسطه این واقعیت است که ما نه تنها بدن‌هایمان هستیم، بلکه این بدن‌ها را نیز داریم. این



امر به آن معناست که انسان می‌تواند به لحاظ ذهنی از بدن خویش فاصله گیرد و در ارتباط خودش نوعی جایگاه انتقادی اتخاذ کند (کریچلی، ۱۳۸۴: ۵۷). در اشعار ایرج میرزا، دیدگاه او به خویش از لحاظ وضعیت جسمی، چنین طنزی را به وجود می‌آورد:

چونان شدم ضعیف که گرنه سخن کنم	در مجلسی، کسی بنبیند که این منم
ور هم سخن کنم، بجز از ناله نشنوند	زان‌رو که همچو نی شده از لاغری تنم
مو در بدن به جای نخ آمد مرا از آن	کز لاغری بدن شده مانند سوزنم
از بس نحیف و لاغر و باریک گشته‌ام	ترسم که خویشتن را ناگاه گم کنم
ای ناتوانی، آخر در من چه دیده‌ای	کاین سان گره نمودی دامن به دامنم
گر سنگ بود سفتی و آهن، گداختی	با آنکه من نه ساخته از سنگ و آهنم
چندین متاز اسب که بشکست مغفرم	چندین میاز دست که بگسست جوشنم
من شاعری حقیرم و مدحتگری فقیر	نه رستم نه طوس، نه گیوم نه بهمنم
سی روز بوسه برزده‌ام بر کفِ امام	سی روز هم به پای تپی بوسه برزنم ...

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۳۶)

انتقاد از خویشتن، همیشه به این مفهوم نیست، بلکه گاهی، انتقاد از خود به منزله انتقاد از دیگران است؛ در ابیات فوق، گرچه ایرج میرزا خود را مخاطب قرار داده و انتقاد می‌کند، اما انتقاد او به نوعی متوجه دیگران نیز هست؛ بدین ترتیب که او در برخی از اشعار خود، از شاعران دروغین سخن می‌گوید و به آن‌ها حمله می‌کند و شاید نیز برخی از ابیات شعر فوق به آنان برمی‌گردد.

۶- مناظره

یکی از شکردهای طنزپردازی، بهره‌گیری از مناظره است؛ بدین ترتیب که در گفتگویی دو یا چند شخصیت با یکدیگر سخن می‌گویند که البته این سخن گفتن، جنبه طنز دارد. در اشعار ایرج میرزا، این شیوه چندین بار آمده است و برای مثال، دو نمونه از این مناظرات ذکر می‌شود:

ایرج:

اقوال پر از مکر و فسون تو چه شد الطاف ز حد و عد برون تو چه شد



با آن همه وعده‌ها که بر من دادی
ملک التجار:

ایرج ز خراسان طلب‌غاز نمود
غافل بود او که غاز با بوقلمون
چون دانه نبود پرواز نمود
ایرج:

حیفست که خُلفِ وعده آغاز کنی
با داشتن هزارها بوقلمون
با شعر مرا از سر خود باز کنی
از دادن یک بوقلمون ناز کنی
ملک التجار:

ای آنکه سزد خوانم اگر شهبازت
چون صرفه نبردم ز تو غازی همه‌عمر
طوطیست همی کلک شکرپردازت
هرگز ندهم بوقلمون و غازت
ایرج:

ای وعده تو تمام بوقلمونی
از آن همه ثروت و کیل آبادت
یاد آر از آن وعده در بیرونی
یک غاز به من نمی‌دهی ...
(همان: ۲۰۹)

در شعر فوق، گفتگوی ایرج میرزا با ملک‌التجار، فضایی طنزآمیز دارد و تأکید بر واژه «بوقلمون» به عنوان صله، بر طنزآمیزی سخن می‌افزاید. یکی از مناظرات جالب و طنزآمیز در اشعار ایرج میرزا، مناظره قوام‌السلطنه با پیشکار خود در مورد اوضاع نابسامان کشور است که در ضمن آن، دوست دانایی نیز وارد مناظره می‌شود:

قوام‌السلطنه:

یک دو روزست دگر دست به کاری نزی
دشت و فتحی نکنی دخل و قماری نزی
لیره‌ای میره‌ای از گوشه کناری نزی
این وطن مایه ننگست پی دخلت باش
نروی مارُخ و دزدیه شکاری نزی ...
پیشکار:

دم مزن قافیه تنگست بیا تا برویم
هر چه از مردم بیچاره گرفتیم بس است
کُلنل بر سر جنگست بیا تا برویم ...
بیش ازین فکر مداخل شدن ما هوس است
قوام‌السلطنه:



ول مگو، گوش به گفتار تو نادان ندهم
من به ژاندارم اگر جان بدهم نان ندهم
دوست دانا:
گوش کن عقل من از خست تو بیشترست
اینقدر جوش مزین جوش زدن بی ثمرست ...
هرقدر پول که می خواستی اندوخته شد
پارگی های خراسان تو هم دوخته شد

(همان: ۲۱۵-۲۱۴)

شعر فوق، شعری با محتوای اجتماعی است و در آن از خیانت به بیت‌المال سخن می‌رود. قوام‌السلطنه دزدی‌های خود را کرده‌است و گوش به سخن هیچ‌کس نمی‌نهد و اگر جان بدهد، از شدت خست، نان نمی‌دهد.

۷.۲.۳. تابوشکنی دینی

تابوشکنی دینی و به ویژه گستاخی با خداوند در ادبیات فارسی رسمی، سابقه‌ای دیرینه دارد. تعداد بسیاری از شاعران و نویسندگان با اظهارات تند و تلخ به خداوند تاخته و آنچه را در جهان، حادث می‌شود، مورد انتقاد قرار داده‌اند. حتی این تابوشکنی و گستاخی در ادب عامه نیز راه یافته و سبب ایجاد فضایی طنزآمیز در افسانه‌ها شده‌است (نوفلی و واردی، ۱۳۹۷: ۱۹۰). این شیوه از طنزپردازی در اشعار ایرج میرزا وجود دارد. او در ابیات زیر، تابوشکنی می‌کند و نسبت به خداوند، گستاخی‌هایی روا می‌دارد؛ اینکه خداوند با همگان راست باشد و با ایرج میرزا کج و اینکه خداوند بیکاری است که جهان را خلق کرده، نمونه‌هایی از گستاخی ایرج میرزا در رابطه با خداوند است.

حضرت اقدس و آلاء، ایرج
با همه راست بود با ما کج
(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۲۳۳)
خدایا تا به کی ساکت نشینم
من این‌ها جمله از چشم تو بینم ...
خداوندا مگر بیکار بودی
که خلق مار در بستان نمودی ...
(همان: ۸۵-۸۴)

در ابیات فوق، ایرج میرزا طنز صوفیانه‌ای به کار می‌گیرد و هدف او، توهین به مقدسات نیست، بلکه او در موقعیتی خاص قرار گرفته است که چنین سخنان طنزآمیزی بر زبان می‌آورد.



۸.۲.۳. کنایه طنزآمیز

کنایه در لغت، به معنی پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح، سخنی است که دارای دو معنی قریب و بعید باشد و این دو معنی، لازم و ملزوم یکدیگر باشند. پس، گوینده، آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار ببرد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد (همایی، ۱۳۸۴: ۲۵۶-۲۵۵). با استفاده از کنایه، طنزپردازان تعبیری را که ظاهراً معنی زیبایی ندارند یا خلاف معمول هستند، به معانی دلخواه خواننده بدل می‌سازند و با پرهیز از تصریح و توسل به تعریض، چیزی فرامی‌نمایند و چیز دیگری را اراده می‌کنند. به همین دلیل، کنایه، قوی‌ترین وسیله القای معانی در طنز است و وقتی مؤثرتر است که مبالغه‌آمیزتر باشد (کردچگینی، ۱۳۸۸: ۳۰). در اشعار ایرج میرزا، کنایه‌های طنزآمیز بسیاری وجود دارد که در بافت طنز داستان به خوبی جا افتاده‌اند و در ایجاد موقعیت‌های طنزآمیز، نقش مؤثری ایفا می‌کنند.

مختصراً هر شب در جوف پارک یارو صد جور کلک می‌زند

(ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲)

وان جگر نازکش از بهر پول روزی صد مرتبه لک می‌زند

(همان: ۱۳)

دلَم از طیبِت پَر رِیْبِت تو سَخْت گرفت تا شکایت نکنم از تو دلَم وا نشود

(همان: ۱۶)

بهر من کج کنی ابرو برو ای چشم سفید وه چه بی جا غلطی شد برو ای چشم سیاه

(همان: ۵۰)

دایم اندیشه و تشویش کنم که چه خاکی به سر خویش کنم

(همان: ۲۲۱)

در تجدید و تجدد وا شد ادبیات شلم شوربا شد

(همان: ۲۲۲)



«کلک زدن، لک زدن، واشدن دل، چشم سفید، ابرو کج کردن، خاک به سر کردن و شلم شوربا شدن» نمونه‌هایی از کنایات مورد استفاده ایرج میرزا هستند که اغلب از زبان محاوره گرفته شده‌اند.

۹.۲.۳. ردیف‌های طنزآمیز

یکی از شکردهای دیگر طنزپردازی، استفاده از کلمات طنزآمیز در ردیف اشعار است. این شگرد سبب می‌شود که فضای طنز در هر بیت تکرار شود؛ این تکرار از یک سو، سبب ایجاد موسیقی بیشتر کلام می‌شود و از سوی دیگر، شاعر با این تکرار، باعث تأکید بیشتر موضوع و مطلب برای خواننده و شنونده می‌شود. ایرج میرزا از این شگرد به خوبی در جهت بیان طنز خویش سود جسته است و دو نمونه از این گونه اشعار در زیر بیان می‌شوند:

آب حیات است پدرسوخته	حب نبات است پدرسوخته
وه چه سیه‌چرده و شیرین لب است	چون شکلات است پدرسوخته
می‌نرسد جز به فرومایگان	خمس و زکات است پدرسوخته
سخت بود ره به دلش یافتن	حصن کلات است پدرسوخته
تنگ‌دهان، موی‌میان، دل‌سیاه	عین دوات است پدرسوخته
احمد و از مهر چنین منصرف	خصم نجات است پدرسوخته
با همه ناراستی و بددلی	خوش‌حرکات است پدرسوخته ...

(همان: ۲۰۲-۲۰۱)

در شعر فوق، تکرار ترکیب «پدرسوخته»، فضایی طنزآمیز را به وجود آورده است. نمونه دیگر چنین شعری، شعر زیر با ردیف «رم می‌کند» است؛ این شعر در انتقاد از وضعیت اجتماعی با زبانی طنزآمیز بیان شده است:

یا رب این عادت چه می‌باشد که اهل ملک ما	گاه بیرون رفتن از مجلس ز در رم می‌کنند
جمله بنشینند با هم خوب و برخیزند خوش	چون به پیش در رسند از همدگر رم می‌کنند
همچنان در موقع وارد شدن در مجلسی	که ز پیش رو گهی از پشت سر رم می‌کنند
در دم در این یکی بر چپ رود آن یک به راست	از دو جانب دوخته بر در نظر رم می‌کنند
بر زبان آرند بسم‌الله بسم‌الله را	گوییا جن دیده یا از جانور رم می‌کنند
اینکه وقت رفت‌وآمد بود اما این گروه	در نشستن نیز یک نوع دگر رم می‌کنند



این یکی چون می نشیند دیگری ور می جهد
 فرضا اندر مجلسی گر ده نفر بنشسته بود
 تا دو نوبت گاه کم گاه بیشتر رم می کنند
 چون یکی وارد شود هر ده نفر رم می کنند...
 (همان: ۲۸۴-۲۸۳)

۴. نتیجه‌گیری

طنز در اشعار ایرج میرزا، بیشتر دارای ویژگی‌های طنز تند و کوبنده است و با نگاهی بدبینانه به مسائل اجتماعی نگرینسته می‌شود. بررسی و تحلیل این شگردهای طنزپردازی در اشعار ایرج میرزا با استفاده از روش مطالعه کتابخانه-ای و به صورت تحلیلی-توصیفی نشان داد که او از شیوه‌های مختلفی برای بیان طنز خویش سود می‌جوید؛ تحقیر و کوچک‌سازی و تشبیه به حیوانات از شگردهای طنزپردازی هستند که او طی آنها، مخاطب خویش را از لحاظ جسمی و روحی کوچک می‌شمارد و تا حد حیوان پایین می‌آورد. نفرین و دشنام، شگردهای دیگر ایرج میرزا برای طنز هستند؛ بدین‌سان که او طرف خویش را نفرین می‌کند و دشنام می‌دهد که این موضوع، جنبه طنز به خود می‌گیرد. او گاهی خود را مورد انتقاد قرار می‌دهد و با این انتقاد که طنزگونه است، قصد آگاه کردن دیگران را دارد و گاهی در پی خراب کردن سمبل‌های مورد قبول جامعه برمی‌آید؛ در طنزهای او، شیخ، حجت‌الاسلام، زاهد، واعظ، شریف‌العلماء و دیگران چهره منفی دارند و سخن گفتن ایرج میرزا از آنان، طنزآمیز است. شیوه دیگری که او برای بیان طنز خویش از آن بهره می‌گیرد، مناظره است؛ بدین ترتیب که در طول مناظره، دو یا چند نفر با یکدیگر گفتگو می‌کنند که محتوای این گفتگوها حالتی طنزآمیز دارد. ایرج میرزا در اشعار خود، تابوشکنی دینی نیز دارد و به شیوه‌ای طنز، برخلاف آیین و اعتقادات جامعه سخن می‌گوید. کنایه‌ها و ردیف‌های طنزآمیز، شگردهای بعدی او هستند؛ به اینگونه که او بیشتر از کنایات عامیانه بهره می‌گیرد و این، در طنزآمیز کردن فضا مؤثر است و گاه، ردیف‌های طنزآمیز را مورد استفاده قرار می‌دهد و هم سبب افزایش موسیقی متن و هم باعث تأکید بر مفهوم می‌شود.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته شده از طرح پژوهشی مصوب در دانشگاه محقق اردبیلی است.



منابع

- آریان پور، یحیی، (۱۳۵۰). از صبا تا نیما، تهران: انتشارات زوار.
- آزند، یعقوب، (۱۳۸۵). تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران: انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- انوری، حسن، (۱۳۷۹). یک قصه بیش نیست، تهران: نشر عابد.
- ایرج میرزا، (۱۳۵۳). دیوان ایرج میرزا، به اهتمام محمدجعفر محجوب، تهران: اندیشه.
- برقی، محمدباقر، (۱۳۲۹). سخنوران نامی معاصر. تهران: امیرکبیر.
- حلبی، علی اصغر، (۱۳۶۵). مقدمه‌ای بر طنز و شوخ طبعی در ایران، تهران: پیک ترجمه و نشر.
- خارابی، قاروق، (۱۳۸۰). سیاست و اجتماع در عصر مشروطه، تهران: دانشگاه تهران.
- خارابی، قاروق، (۱۳۸۶). طنز در مطبوعات دوره آغازین مشروطیت، نشریه نامه فرهنگستان، دوره ۹، شماره ۱.
- داد، سیما، (۱۳۸۷). فرهنگ اصطلاحات ادبی، تهران: مروارید.
- زارع، سارا و باقری خلیلی، علی اکبر (۱۳۹۵). سگردهای طنزپردازی در کتاب شلوارهای وصله‌دار، فصلنامه کاوش‌نامه، سال ۱۷، شماره ۳۳.
- زرقانی، سیدمهدی، (۱۳۸۴). چشم‌انداز شعر فارسی، تهران: نشر ثالث.
- سپانلو، محمدعلی، (۱۳۷۶). شهر شعر ایرج (زندگی و نمونه آثار ایرج میرزا)، تهران: نشر علم.
- سلیمانی، محسن، (۱۳۹۱). اسرار و ابزار طنزنویسی، تهران: سوره مهر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی از مشروطیت تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۸۲). ادبیات فارسی (از جامی تا روزگار ما)، تهران: نی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا، (۱۳۹۰). با چراغ و آینه (در جستجوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران)، تهران: سخن.
- شوقی، احمد، (۱۳۸۴). طنز و شیوه‌های گوناگون آن، مجله کیهان اندیشه، شماره ۴۲.
- صدری‌نیا، باقر، (۱۳۸۷). چند و چون وطن‌خواهی در ایران، علی دهباشی، سیری در زندگی و آثار ایرج میرزا، تهران: اختران.
- صفا، ذبیح‌الله، (بی‌تا). گنج سخن، تهران: ابن سینا.
- صفایی، علی و ادهمی، حسین، (۱۳۹۳). نمود تکنیک‌های طنز در ساختار پیرنگ داستان‌های «فرهاد حسن‌زاده»، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۲.



کردچگینی، فاطمه، (۱۳۸۸). «شکل دگر خندیدن» در مجموعه مقالات کتاب طنز ۵، تهران: سوره مهر.
کریچلی، سیمون، (۱۳۸۴). در باب طنز، ترجمه سهیل سمی، تهران: ققنوس.
محبوب، محمدجعفر، (۱۳۵۳). تحقیق در احوال و آثار و افکار و اشعار ایرج میرزا و خاندان و نیاکان او، تهران: نشر اندیشه.

مرچنت، ملوین، (۱۳۸۲). کمدی، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: مرکز.
محفوظ، حسین‌علی، (۱۳۳۶). متن‌بی و سعدی، تهران: چاپخانه حیدری.
محمدی، حسن‌علی، (۱۳۷۵). شعر معاصر ایران از بهار تا شهریار، تهران: انتشارات ارغنون.
نادریور، نادر، (۱۳۵۲). ایرج میرزا: نام‌آور ناشناخته، نشریه سخن، شماره ۲۳.
نجف‌زاده بارفروش، محمد و فرجیان، مرتضی، (۱۳۷۰). طنزسرایان از مشروطه تا انقلاب، جلد ۳، تهران: نشر بنیاد.
نوفلی، فاطمه، (۱۳۹۷). بررسی شگردهای طنز و مطایبه در افسانه‌های عامیانه ایرانی، نشریه نثرپژوهی ادب فارسی، سال ۲۱، شماره ۴۴.

نیکوبخت، ناصر، (۱۳۸۰). هجو در شعر فارسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
همایی، جلال‌الدین، (۱۳۸۴). فنون بلاغت و صناعت ادبی، تهران: هما.
یوسفی، غلامحسین، (۱۳۶۹). چشمه روشن، تهران: انتشارات علمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

شناسی



Studying and analyzing humor techniques In the poems of Iraj Mirza

Hossein Gasemizadeh¹, Khodabakhsh Asadollahi²

Abstract:

Iraj Mirza, born in 1253 is one of the most successful satirical poets of the constitutional period, and he was given the title of "Saadi No". One of the most important reasons for the success of his satires is the use of a wide range of methods and mechanisms for creating humor in the structure of his poems. Iraj Mirza's poems are mostly taken from social realities, in which he reflects on social issues with a critical and sharp point of view. The current research aims to study and analyze the methods of satire in this poet's poems by using the library study method and in a descriptive-analytical way. The results of the studies show that Iraj Mirza uses various methods and methods to express his humor and make it more effective on the audience, and the secret of the success of his humor lies in the use of these methods. Among the most important of these tricks, we can mention miniaturization, likening to animals, cursing, destroying symbols, criticizing oneself, debating, breaking religious taboos, irony and humorous lines. As a result, the humor techniques used by Iraj Mirza have a significant effect in presenting the intended concepts.

Key words: Humor, satirical techniques, poems, Iraj Mirza.

1 . Ph.D. student of Persian language and literature of Mohaghegh Ardabili University, Ardebi, Iran.//

hosseingasemizadeh1373@gmail.com (corresponding author)

2 . Professor of Persian language and literature at Mohaghegh Ardabili University, Ardebi, Iran.//

Kh.asadollahi@gmail.com